



تجدید عهد غریب طوس



تقوی-صادقی

مدینه تأییدن گرفت و شعاع نورانی و روح بخش خود را به اقصی نقاط عالم منتشر ساخت. نام او «علی» و کنیه اش «ابوالحسن» بود. ایشان پس از شهادت پدر ارجمندش در زندان بغداد (سال ۱۸۳ هجری) در سن ۳۵ سالگی عهده دار مقام امامت و ولایت شد. مدت امامت آن بزرگوار ۲۰ سال طول کشید که ۱۰ سال آن با خلافت «هارون الرشید»، ۵ سال با خلافت «محمد امین» و ۵ سال آخر با خلافت «مأمون» مقارن بود.

امام رضا علیه السلام تا آغاز خلافت مأمون در زادگاه خود شهر مقدس

دارالشفاست مرقد سلطان دین رضا باید که روبه جانب دارالشفاکنیم باشد سزاکه بر در طب الرضا رویم وانگاه درد خویش در آنجا دواکنیم ما را اگر بساحت قدسش اجازه داد آنجا ولا برای همه دست و پاکنیم مهمان شویم جمله بدار الضیافه اش بر خوان او نشسته دمی را صفاکنیم بالجمله روز از شعف و شب ز روی جد خود را در آستان رضا جابجاکنیم چون پیروی بساحت کیوان رسیدگفت بساید به پیروان علی اقتداکنیم در یازدهم ذیقعده سال ۱۴۸ هجری، خورشید ولایت بار دیگر در

این نیست که راه را بر او ببندی؛ چرا که من می‌دانم تو در علم و مناظره توانا هستی. سلیمان که از نیت مأمون آگاه شد، این کار را پذیرفت. ولی در نهایت، برخلاف نقشه از قبل تعیین شده، ضعف و ناتوانی سلیمان بر همگان آشکار شد.

زیارت قبور اولیاء

زیارت قبور اولیای الهی و تبرک جستن به آثار و مقابر شریف آن بزرگواران یکی از سنتهای دیرین و پراهمیت در بین مسلمانان است که امروزه بر اساس تفکرات باطل و بی‌اساس برخی فرقه‌های اسلامی و همچنین تفکرات مبتنی بر حس‌گرایی که در پوشش روشنفکری و تمدن، بر جوامع اسلامی عرضه می‌شود، ممکن است برای انسانهایی که نسبت به مبانی دینی و اعتقادی از درک عمیقی برخوردار نیستند، ذهنیتها و تصورات ناصواب نسبت به این امر اعتقادی به وجود آید. از این رو، برآنیم تا در این مقال به بررسی موضوع زیارت قبور پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام مخصوصاً زیارت بارگاه شریف علی بن موسی

مدینه اقامت داشت که پس از به حکومت رسیدن مأمون - با حيله و نیرنگ - به خراسان دعوت شد. در این دوران، مأمون حاکمیت خود را با خطرات جدی مواجه می‌دید، از جمله: شورشهای علویان در نقاط مختلف، طرفداری خراسانیان از اهل بیت علیهم‌السلام و گسترش نفوذ و فعالیتهای امام علیهم‌السلام در بین شیعیان. از این رو، مأمون با تحمیل ولایت عهدی خود بر آن حضرت علاوه بر کنترل و مایل نمودن علویان و خراسانیان به سمت خود، قصد داشت فعالیتهای امام رضا علیهم‌السلام را در مرو کنترل نماید و با اقدامات منفی خود چهره ایشان را مخدوش کند و از محبوبیت او بکاهد. نقل شده که سلیمان مروزی عالم مشهور علم کلام به نزد مأمون آمد. مأمون پس از احترام و انعام او از وی درخواست کرد که با امام رضا علیهم‌السلام به مناظره بپردازد. سلیمان که به علم و دانش خود مغرور بود، گفت: ای امیرمؤمنان ترس آن دارم که از عهده این کار برنیاید و مقامش پایین آید. مأمون گفت: هدف من نیز چیزی جز

الرضا علیه السلام و بررسی برخی شبهات موجود پردازیم.

زیارت وسیله قرب الهی

بنابر آنچه از متون روایی و دینی استفاده می‌شود، زیارت قبور اولیای الهی منشأ آثار و برکات دنیوی و اخروی فراوانی است و مسلمانان به حکم آیه **«اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»**^۱ «تقوای الهی پیشه کنید و وسیله‌ای [برای تقرب] به سوی او بجوئید.» اولیای الهی را بهترین وسیله برای تقرب به خداوند می‌دانند.

از این رو، بارها رنج و مشقت سفر را به جان می‌خرند و به زیارت قبور آنان مشرف می‌شوند و به پیمان و عهد قلبی و درونی که با پیامبران و امامان خویش بسته‌اند، عمل می‌کنند.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید: **«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِبَعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْإِدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدَّقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَنَّهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»**^۲ همانا برای هر امامی عهد و پیمانی است بر عهده پیروان و شیعیانشان و وفای کامل به

این عهد و ادا نمودن آن به وجه نیکو در گروی زیارت قبور آنان است، پس هر کس از روی رغبت و میل به زیارت آنان و برای تصدیق آنچه که آنها در آن رغبت داشتند، آنان را زیارت کند، امامان و پیشوایانشان در روز قیامت شفیع آنان خواهند بود.»

همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: **«مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»**^۳ هر کس به زیارت من بیاید در روز قیامت شفیع او خواهم بود.» زیارت در واقع، تجدید عهد و پیوند زدن قلب و روح به انسانهایی است که خلیفه الله حقیقی در زمین هستند؛ کسانی که به حقیقت ندای **«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»**^۴ را جامه عمل پوشانیده‌اند، و سفره جود و کرمشان برای عموم مردم گسترده و باب لطف و رحمتشان بر همگان گشوده است؛ انسانهایی که در وصف آنان گفته

۱. مائده/۳۵.

۲. بحار الانوار، مجلسی، مؤسسة الوفاء، ج ۹۷، ص ۱۱۶.

۳. همان، ص ۱۴۲.

۴. بقره/۳۰.

اعتقادی را مخدوش کنند و به اسم روشنفکری و روشنگری تاریکیهای ظلمانی و شیطانی خود را گسترش دهند. ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^۱: «آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده، با این حال می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند.»

از این رو، بر انسانهای آگاه و دانا و دردمند لازم است تا با پرده برداشتن از این دسیسه‌های شوم، راه حق و حقیقت را بر سالکان روشن‌تر و رسیدن به قرب الهی را آسان‌تر سازند. در این راستا، ما نیز برآنیم تا یکی از شبهاتی را که از طرف فرقه وهابیت که سوغات انگلیسیها برای جوامع اسلامی است،^۲ و همچنین از طرف برخی غرب زدگان به اصطلاح روشنفکر مطرح شده، بیان نماییم و به تبیین پاسخی مناسب پردازیم.

می‌شود: «السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التَّقَى وَذَوِي التَّهْنَى؛ سلام بر امامان هدایت، و روشنگران تاریکی، و نشانه‌های تقوا و پرهیزگاری، و صاحبان عقل.»

نقد شبهات موهوم

یکی از سنتهای مسلمانان و مخصوصاً شیعیان، زیارت قبور پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و اولیای الهی است که در طول سال به زیارت این قبور مشرف شده و با پیوند خوردن با فضای معنوی آن مکانهای مقدس، روح خویش را طراوت بخشیده، از ثمرات و آثار معنوی آن بهره می‌گیرند و برای رفع مشکلات خویش آن بزرگواران را واسطه قرار می‌دهند و در بسیاری اوقات که با دل‌های پاک و فارغ از دنیا به سوی ایشان روی می‌آورند، حاجتهای خود را گرفته، سرشار از عشق و امید به زندگی عادی ادامه می‌دهند. در این میان، شیاطین انسان نما و فریب خوردگان و رانده‌شدگان از رحمت حق با کوبیدن بر طبل یأس و ناامیدی قصد دارند با انتشار شبهات بی‌اساس چهره این امر معنوی و

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۶، ح ۱ (زیارت جامعه).

۲. کف: ۱۰۴.

۳. ر.ک: کتاب خاطرات سیاسی تاریخی مستر همفر در کشورهای اسلامی، ترجمه علی کاظمی.

شبهه این است: چطور ممکن است انسانهایی که قرن‌ها پیش مرده‌اند به زیارتشان برویم و آنان را واسطه بین خود و خداوند قرار دهیم؟ و همچنین آیا این عمل نوعی بدعت و شرک محسوب نمی‌شود؟

پاسخ را در چند بخش بیان می‌کنیم:

۱. یکی از ارکان و علل پیدایش این شبهه اعتقاد به عدم حیات پس از مرگ است که قرآن کریم در موارد متعدد آن را ابطال نموده است. نقل شده که روزی ابی بن کعب (یا عاص بن وائل) که منکر معاد بوده است در بیابان قطعه‌ای استخوان پوسیده پیدا کرد و فکر کرد که دلیل محکمی برای عقیده‌اش پیدا کرده است. با تکبر و غرور قطعه استخوان را برداشت، در حالی که با خود می‌گفت: «لَا أُخْصِمَنَّ مُحَمَّدًا؛ با محمد صلی الله علیه و آله به دشمنی برمی‌خیزم.» به سراغ پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و فریاد زد: بگو بینم چه کسی قدرت دارد بر این استخوان پوسیده لباس حیات بپوشاند؟! سپس قسمتی از آن استخوان را پودر کرد و بر زمین پاشید.

در این هنگام، این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: «وَصَرَبْنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ؛^۱ «برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است.» خداوند با عبارت «وَنَسِيَ خَلْقَهُ» پاسخ محکمی به منکرین معاد داده است؛ به این معنی که اگر آن شخص خلقت خود را فراموش نمی‌کرد و توجه می‌کرد که خداوند او را از هیچ آفریده است، چنین استبعادی نمی‌کرد؛ چرا که خلقت اولیه بسی سخت‌تر از خلقت مجدد است.

هیچ‌گاه انسان به وسیله مرگ، نابود و فانی نمی‌شود تا نتوان به زیارت او رفت و او را واسطه قرار داد؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛^۲ «[ای پیامبر!] هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگان‌اند؛ بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند.»

۱. بس ۷۸.

۲. آل عمران ۱۶۹.

تبرک جستن به آثار و قبور اولیای الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام ﷺ در متون تاریخی و روایی به طور متعدد نقل شده است. که در ادامه به مواردی از آنها در کتب اهل سنت اشاره می‌کنیم:

الف) سائب بن یزید نقل می‌کند:
خاله‌ام مرا خدمت پیامبر ﷺ برد و گفت: فرزند خواهرم بیمار است. آن حضرت وضو گرفت و از خدا برای من طلب خیر و سلامتی نمود و در زمانی که وضو می‌گرفت، از آب وضویش نوشیدم.^۱

ب) مسلم در صحیح خود از انس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ سر خود را می‌تراشید و یارانش در اطرافش بودند و هر تاری از موی ایشان در دست یکی از یاران بود.^۲

۱. صحیح البخاری، دارالجیل، بیروت، ج ۴، ص ۲۲۷ (از مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت است و همان‌طور که از اسم آن روشن است تمام روایات آن را صحیح می‌شمارند).

۲. صحیح مسلم، ج ۴، کتاب فضائل الصحابة (این کتاب نیز از مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت است که به خاطر اعتقاد به صحت روایات آن نامش را صحیح نهاده‌اند).

۲. بخشی از این شبهه زاینده فکر وهابیت است که قصد دارند با پوشاندن لباس بدعت و شرک بر قامت زیارت و استشفاء و تبرک جستن به قبور اولیای الهی، این مسئله مهم اعتقادی را خدشه‌دار کنند؛ لذا دولت وهابی سعودی برای جلوگیری از انجام این امور، مأمورانی را در لباس آمران به معروف و ناهیان از منکر در اطراف این مقابر شریف مستقر کرده که با کمال خشونت و گاه در لباس اخلاق و نصیحت با زائران این مشاهد مشرفه رفتار می‌کنند. استدلال آنان این است که بوسیدن قبور و ضرائح و تبرک جستن به آنها نوعی عبادت نسبت به آنها محسوب می‌شود و حال آنکه عبادت مخصوص خداست. پاسخ آنها این است که اگر هر احترام و بوسیدنی عبادت بود، لازم می‌آمد بوسیدن اطفال و کتاب خدا هم شرک و حرام باشد. روشن است که هیچ مسلمانی به وسیله زیارت و بوسیدن مقابر شریفه، قصدش این نیست که به آنان نسبت خدایی بدهد و آنان را عبادت کند تا شرک لازم بیاید.

هِيَ بِأَرْضِ طُوسٍ وَهِيَ وَاللَّهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛^۲ همانا در خراسان مکانی است که در آینده محلّ رفت و آمد فرشتگان خواهد شد. پیوسته گروهی از ملائک از آسمان به این مکان فرود می‌آیند و گروهی از آنجا به آسمان صعود می‌کنند تا زمانی که در صور دمیده شود. به ایشان عرض شد: ای فرزندان رسول خدا! این چه مکانی است؟ ایشان فرمودند: این مکان در سرزمین طوس واقع شده و به خدا قسم! باغی از باغهای بهشت است.»

مصاف عالم امکان ز ملک تا ملکوت

که از ملوک و ملک پاسبان و دربان داشت
همین عظمت و بزرگی، زیارت
آن مرقد شریف را دارای آثار و برکاتی
کرده که در ادامه قطره‌ای از آن اقیانوس
فضائل را ذکر می‌کنیم و جان خسته از

ج) صحابی جلیل‌القدر، بلال حبشی که به عللی مدینه را ترک کرد و در نواحی شمال به امر مرزبانی مشغول بود، در خواب دید که پیامبر ﷺ به او فرمود: ای بلال! آیا وقت آن نرسیده است که ما را زیارت کنی؟ وی با حالت اندوه از خواب بیدار شد و بر مرکب خود سوار شد و آهنگ مدینه کرد. هنگامی که کنار قبر شریف رسول خدا ﷺ رسید، شروع به گریه کرد و صورت خود را بر قبر می‌مالید و وقتی حسن و حسین علیهما السلام را دید هر دو را بوسید.^۱

زیارت بارگاه رضوی

فضیلت زیارت امام هشتم علیه السلام در وصف نمی‌گنجد و قلم از تحریر آن عاجز است و انسانهای عادی را توان درک آن نیست. مشهد مقدس آن امام بزرگ محلّ نزول و صعود ملائک مقرب الهی است. در حدیثی از خود آن حضرت نقل شده که فرمودند: «إِنَّ بِخُرَاسَانَ لَبُقْعَةَ يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، فَلَا يَزَالُ قَوُوجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَقَوُوجٌ يَصْعَدُ إِلَيَّ أَنْ يَنْفَعُ فِي الصُّورِ، فَقَبِلْ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَأَيَّةَ بُقْعَةٍ هَذِهِ؟ قَالَ:

۱. اسدالغایبه فی معرفة الصحابة، ابن اثیر، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ج ۱، ص ۲۰۸ (ابن اثیر یکی از بزرگان اهل سنت است که در قرن هفتم وفات یافته است).

۲. عبون اخبار الرضا، شیخ صدوق، دارالعلم، قم، ج ۲، ص ۲۵۵؛ امالی شیخ صدوق، کتابخانه اسلامیة، ص ۶۳؛ بحار الانوار، مجلسی، همان، ج ۹۹، ص ۳۱.

فراقمان را طراوت می بخشیم:

۱. مهم ترین فضیلت زیارت آن امام همام علیه السلام آنس و همنشینی با آن امام است. چه ندارد آن که رضا دارد و چه دارد آن که از رضا محروم است.

شنیده ام سخنی خوش که پیرکنعان گفت

فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت

حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر

کنا بیست که از روزگار هجران گفت

۲. از آنجا که علی بن موسی

الرضا علیه السلام مظهر کرامت و بزرگی است،

هر کس که به زیارت ایشان برود، در

دنیا پس از مرگ که دیار فقر و نیاز

است، با کمال لطف و مهربانی به دیدار

او خواهد آمد. ابن اسحاق نهانندی

نقل می کند که امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ

زَارَنِي عَلَيَّ يَوْمَ أُتِيَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي

ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا

تَطَارَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، وَعِنْدَ الصَّرَاطِ،

وَعِنْدَ الْمِيزَانِ؛^۱ کسی که با وجود دوری

مر قدم مرا زیارت کند، روز قیامت در

سه مکان به دیدارش می روم تا او را از

سختی آن روز نجات دهم؛ در آن زمان

که نامه های اعمال خوب و بد گشوده

می شود، و هنگام عبور از پل صراط، و

هنگام سنجیدن اعمال.»

۳. از فضائل دیگر این است که

ثواب و اجر و پاداش زیارت آن

حضرت با زیارت رسول گرامی

اسلام صلی الله علیه و آله برابر شده است. امام موسی

بن جعفر علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ ابْنِي عَلِيًّا مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظَلَمًا مَدْفُونٌ

إِلَى جَنْبِ هَارُونَ بِطُوسٍ مِنْ زَاوَةِ كَعْنَزٍ زَارَ

رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛^۲ همانا پسر من، علی، با ظلم

و جور به واسطه سم کشته می شود و

در کنار هارون در طوس دفن خواهد

شد. هر کس او را زیارت کند، مانند

کسی است که پیامبر را زیارت کرده

است.»

۴. زیارت قبر و مزار شریف آن

حضرت برابر با ثواب هزار حج و هزار

عمره است. امام رضا علیه السلام

می فرماید: «فَمَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ

كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ

حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ؛^۳ هر کس

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه القمّی، مکتبه

الصدوق، ص ۳۱۹؛ عبّون اخبار الرضا، ج ۲،

ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، همان، ص ۴۰.

۲. عبّون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۰؛ وسائل

الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۸.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۴۴.

زیارت آن حضرت هفتاد حج یا بیشتر ذکر شده است.

علت این اختلاف را می‌توان در تفاوت زائرین آن حضرت و درک و معرفتی که نسبت به آن حضرت دارند، جستجو کرد. حالات افراد و زمانهای گوناگون نیز در کثرت و قلت ثواب تأثیر مستقیم دارد؛ چنان که گاهی شخص با توجه و حضور قلب بیشتری به زیارت آن امام علیه السلام می‌رود و یا در زمانهای مخصوص مثل شب قدر توفیق زیارت برای او حاصل می‌شود.

۵. ثواب جهاد و شهادت در راه خدا در جمله فضائل زیارت بارگاه رضوی است. روزی امام رضا علیه السلام که در سنین نوجوانی بودند از کنار پدرشان گذشتند، امام هفتم فرمودند: این فرزندانم در سرزمین غربت از دنیا می‌رود. «فَمَنْ زَارَهُ مُسْلِماً لَمْ يَمُرْهُ غَارٌ بِحَقِّهِ كَأَنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُشَيْدًا بَدْرًا»^۱ کسی که

که مرا در آن مکان زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است و خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش می‌نویسد.»

البته، ذکر دو نکته هم در اینجا ضروری است:

الف) ممکن است به ذهن خطور کند که چگونه ممکن است چنین ثواب عظیمی پاداش یک عمل به ظاهر ساده باشد؟

پاسخ این است که اسماء و صفات خداوند از جمله رحمان و رحیم بودن او بی‌نهایت است و باب لطف و رحمت او همیشه و در همه جا به روی انسانها گشوده است و یکی از درهای رحمت حق، مزار شریف ائمه اطهار علیهم السلام است و جای هیچ تعجبی نیست که خداوند برای تعظیم مقام آن بزرگواران چنین اجر و پاداشی قرار دهد؛ چنان که ثواب نماز جماعت هنگامی که مأمومین از ده نفر تجاوز کنند، آن قدر زیاد است که هیچ کس جز ذات حق توان شمارش آن را ندارد.^۱

ب) در برخی روایات ثواب

۱. این روایت را تمام مراجع در رساله‌های عملیه خود آورده‌اند. پس روشن می‌شود که این روایت از چه اعتبار و اهمیتی برخوردار است.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۰۴؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۴۱.

يَفْتَرَعُ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْعَلَائِقِ؛^۱ هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، گناهان گذشته و آینده او بخشیده می شود و روز قیامت منبری مقابل منبر پیامبر ﷺ برای ایشان نصب می شود تا اینکه خدا به حساب خلایق رسیدگی کند.»

همچنین علی بن مهزیار نقل می کند که خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: «مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الرَّضَاءِ علیه السلام؛ برای کسی که قبر امام رضا علیه السلام را زیارت کند چه ثوابی قرار داده شده است؟» امام فرمودند: «الْجَنَّةُ وَاللَّهُ؛^۲ قسم به خدا! پاداش او بهشت است.»

آداب حضور

زیارت بارگاه و مشهد شریف علی بن موسی الرضا علیه السلام اگر چه امری نیکوست، ولی شرائط و آدابی برای آن ذکر شده که عمل کردن به آنها موجب می شود، زیارت به درجات بالاتری از

او را زیارت کند در حالی که تسلیم به امر او بوده و معرفت به حق او داشته باشد، نزد خداوند، مانند شهداء بدر خواهد بود.»

۶. از دیگر آثار مهم زیارت آن حضرت راه یافتن به حریم مغفرت الهی و رهایی از آتش دوزخ و وارد شدن در بهشت موعود الهی است. حمدان نقل می کند که بر امام جواد علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: «کسی که پدرت را در طوس زیارت کند چه برایش قرار داده شده است؟ ایشان فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطْوَسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ؛ هر کس پدرم را در طوس زیارت کند، گناهان گذشته و آینده اش بخشیده می شود.»

حمدان می گوید: بعد از این واقعه، نزد ایوب بن نوح بن دراج رفتم و فرمایش امام را برای او نقل کردم، او گفت من هم این مطلب را از ایشان شنیده ام و نیز مطلب دیگری شنیدم که برایت نقل می کنم: از امام علیه السلام شنیدم که فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطْوَسٍ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَصِبَ لَهُ مِثْبَرٌ بَعْدَهُ مِثْبَرٌ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّى

۱. کامل الزیارات، ص ۳۲۰؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۴۰.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، مکتبه البوذر جمهری، ص ۹۵؛ بحار الانوار، همان، ص ۳۹.

فضیلت برسد و شخص در زمره زائران واقعی آن امام قرار گیرد؛ چه اینکه عمل نکردن به آنها موجب نقصان ثواب و فضیلت خواهد شد.

اولین و مهم‌ترین ادب زیارت، پاکی و طهارت ظاهری و باطنی است و لازم است برای وارد شدن به آن مکان مقدس دل و جان خویش را پاک سازیم و با عمل به آواز خوش «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِأَلْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوبَى»^۱ «نعلین (علاقه غیر خدایی) را از خود به دور کن که اکنون در وادی مقدسی قدم نهادی.» خود را جهت کسب فضائل آن مکان شریف آماده نماییم.

از این رو، امر شده که هر گاه قصد کردی برای زیارت آن حضرت از خانه خارج شوی، غسل کن و در هنگام غسل چنین بگو: «اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَجْرِ عَلَي لِسَانِي مَدْحَتِكَ وَالْتِنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَأَقْوَةُ إِلَائِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهْرًا وَشِفَاءً»^۲ خدایا! مرا پاک کن و قلب مرا پاکیزه گردان و سینه‌ام را وسعت بخش و مدح و ثناء خودت را بر زبانم جاری ساز که قدرتی جز آنچه تو عطا کنی نیست. خداوند! این

زیارت را وسیله طهارت و سلامتی‌ام قرار ده.»

قابلیت و طهارتی که شخص در درون خویش ایجاد کرده، او را به کسب معنویات این زیارت موفق می‌نماید.

از دیگر آداب زیارت و تشرّف به محضر آن امام، معرفت و شناخت مقام و منزلت و جایگاه ایشان است که خود راهی است برای رسیدن به درجات زائران حقیقی. بزنتی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي غَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا تَشَفَّعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ هیچ یک از اولیاء و پیروان من، مرا زیارت نمی‌کند، در حالی که به حق من معرفت دارد، مگر اینکه در روز قیامت او را شفاعت می‌کنم.»

حال ممکن است سؤال شود که حق امام چیست؟ امام موسی بن جعفر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَمَنْ زَارَهُ فِي عُرْبَتِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ بَعْدَ أَبِيهِ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ كَمَنْ زَارَ

۱. طه/۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴.

۳. امالی شیخ صدوقی، همان، ص ۱۰۰.

بحار الانوار، همان، ص ۳۳.

درآورد و نقل آن به حدّ تواتر رسیده است؛ چنان که شیخ حرّ عاملی می‌نویسد: «معجزات امام رضا علیه السلام از حدّ تواتر تجاوز کرده است.»^۱ چه بسیار انسانهایی که با تشرّف به بارگاه ملکوتی آن امام از دریای بی‌کران کرامت آن حضرت بهره و نصیبی برده‌اند که در ادامه برگهایی از تاریخ را ورق زده، مواردی چند از آن را نقل می‌کنیم:

الف) شیخ صدوق می‌گوید: وقتی رکن الدوله (یکی از وزرای حکومت آل بویه) را از رفتن به زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام باخبر ساختم، به من گفت: مرقد آن امام مشهد مبارکی است. بازها آن را زیارت کرده‌ام و حاجتهای زیادی از ایشان گرفته‌ام. هنگامی که به آنجا رفتی برای من دعا کن و به جای من زیارت نما که در آن مکان دعا اجابت می‌شود.^۲

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۵۸۷؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۴۲.

۲. اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، المطبعة العلمية، ج ۶، ص ۱۱۷.

۳. عبون اخبار الرضا، ص ۲۷۹؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۱۰۳.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۱ هر کس امام رضا را در [دیار] غربت زیارت کند، در حالی که اعتقاد دارد به اینکه امام واجب الطاعة بعد از پدرش از جانب خداوند است، مانند کسی است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را زیارت کرده است.»

پس باید پرده غفلت را کنار زنیم و حق شناسانه به دیدارش روییم تا مبادا شیطان ما را این چنین بفریبد که معصیت خدای رضا را مرتکب شو و آنگاه با زیارت بنده خدا از غضب خدا در امان بمان. امام علیه السلام شفیع کسی می‌شود که اتصالش به جانب حق منقطع نگردد و در معاصی و گناهان غوطه ور نباشد. این که در طول زندگی گناه و معصیت را پیشه کنیم و امید شفاعت آن امام را در سر بیورانیم از دسیسه‌های هولناک شیطان است که موجب می‌شود برخی، از شیعه و پیرو اهل بیت بودن، جز نامی را یدک نکشند و به این نام و عنوان دل خوش باشند.

کرامات رضوی

معجزات و کرامات امام رضا علیه السلام بیش از آن است که بتوان به شماره

نجوای عاشقانه

ای بالانشین که دریچه‌های
آسمان به سمت رواقهای بارگاه تو باز
می‌شود! تشنه شفاعت خویش را پیاله
رضایتی ببخش و در سایه زیارت
خوانی‌اش رضایش کن!

ای آبروی آسمان و زمین که همه
منظومه‌ها گرد گنبد طلائی تو در
طوافند! دل‌های شب زده ما را به نور
ایمان شکوفا کن و با حرف و حدیث
خلوت خدا آشنا!

ای تمنای روشن آسمان! کمتر از
آهوی بی‌پناه نیستم، مرا هم ضمانت
کن! به سرا پرده خویشت بخوانم و هم
صحبت کبوتران آستانه‌ات کن!

ای غریب نواز! زخمهای
بی‌شماره‌ام به دستهای نوازش تو
محتاج است. ای تکیه‌گاه هشتمین که
دقیقه‌ها با آهنگ نقاره خانه تو کوک
می‌شوند! بی‌پناه خویش را دریاب!

ب) ابن ابی حاتم تمیمی از علمای
بزرگ اهل سنت می‌گوید: بارها او
(علی بن موسی الرضا) را زیارت
کردم. هر گاه مشکلی برایم پیش
می‌آمد، نزد قبر او که صلوات خدا بر او
و جدش باد، می‌رفتم و از خداوند
برطرف شدن آن مشکل را طلب
می‌کردم و خداوند به برکت آن امام
دعایم را اجابت می‌کرد، و این امر را
بارها تجربه کرده‌ام. خدا ما را بر محبت
محمد پیامبر و اهل بیتش که صلوات
خدا بر همه آنها باد بمیراند!^۱

ج) ابو منصور عبدالرزاق وقتی
فهمید که حاکم طوس (معروف به
بیوردی) فرزندی ندارد، به او گفت:
چرا به زیارت امام رضا علیه السلام نمی‌روی تا
در آنجا از خداوند فرزندی طلب کنی؟
من بارها در آنجا حوائجی از خداوند
خواستم و خدا حاجاتم را به برکت آن
امام عطا نمود. حاکم طوس می‌گوید:
قصد مشهد کردم و به نزد امام رضا علیه السلام
رفتم و از خداوند حاجتم را خواستم.
خداوند فرزند پسری به من عطا کرد.^۲

۱. کتاب الثقات، ابی حاتم تمیمی، دارالفکر،

ج ۸، ص ۴۵۷.

۲. عیون اخبار الرضا، ص ۲۷۹.